خاطره

شهید کاظمی مشغول صحبت با بی‌سیم

خاطراتی از سردار شهید ناصر کاظمی
به نقل از سردار حسن رستگار پناه

گام بلند کاظمی برای پاکسازی جاده‌های ناامن کردستان

سردار شهید ناصر کاظمی اولین فرمانده تیپ ویژه شهدا در اوایل شهریور ۱۳۶۱ در عملیات پاکسازی محور سردشت- پیرانشهر به شهادت رسید. متنی که پیش‌رو دارید خاطراتی از این شهید از زبان سردار حسن رستگار پناه است که در کتاب کردستان در بحران امنیت و محرومیت منتشر شده است.

■ پاکسازی جاده‌ها

ناصر کاظمی در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به سپاه کردستان معرفی شد. او از همان ابتدا با افراد مختلف جلسه می‌گذاشت و نظرهای‌شان را می‌پرسید. کاظمی یک طرح عمومی تهیه کرد و آن را به مرکز برد. در آن طرح عملیات‌هایی که باید در کردستان اجرا می‌شدند، طراحی شده بود. از جمله این عملیات‌ها، پاکسازی شهر بانه و محورهای مواصلاتی بین شهری بود که باید از تسلط ضدانقلاب خارج می‌شدند و در اختیار ما قرار می‌گرفتند.

جاده بانه به سردشت، جاده مریوان به کامیاران از مسیر سروآباد به سمت گازرخانی و ادامه جاده بوکان به سقز از جمله محورهای مواصلاتی بودند که باید پاکسازی می‌شدند. در نهایت این طرح تصویب شد و کاظمی به سراغ مقدمات کار رفت. او طرح مانوری برای پاکسازی جاده بانه - سردشت طراحی کرده بود. براساس این طرح قرار بود در چند نقطه هلی‌برن انجام شود که یکی از هلی کوپترها سقوط کرد و عملیات عقب افتاد. یکی دو ماه بعد، دوباره طرح پاکسازی آن جاده اجرا شد.

■ زود جا افتاد

ناصر کاظمی با توجه به وسعت دیدی که برای اجرای عملیات‌ها به‌شکل سلسله‌وار داشت، به سرعت در بین نیروهایی که در کردستان بودند، جا افتاد و همه فرماندهی ایشان را بلامنازع پذیرفتند. سپاه کردستان هم به‌تدریج انسجام ستادی‌اش را در سنندج پیدا کرد. ناصر کاظمی کنترل عملیات‌های شهرهای گوناگون، افزایش نیرو، گسترش سازمان و تحرک در عملیات‌های آفندی را به شدت دنبال می‌کرد و هیچ توقفی نداشت.

او از همان روزهای اولی که برای پاکسازی‌ها آمد- هر چند در اواخر سال ۱۳۶۰ و اوایل سال ۱۳۶۱ در وضعیت سخت زمستانی قرار داشتیم- مرتب طرح می‌داد و برنامه‌اش این بود که در این دوره باید ضدانقلاب را در مناطق مختلف تعقیب کنیم.

کاظمی در دوران فرماندهی‌اش، امکانات مورد نیاز را جذب کرد. او با شیوه‌ای که در پیش گرفت اواخر دهه ۶۰ و اوایل سال ۶۱، در مجموعه فرماندهان مختلف استان کردستان تحرکی ایجاد کرد. او در عین حال، سازماندهی و انسجام سپاه در شهرهای گوناگون، از جمله بانه، مریوان و سقز را دنبال کرد و می‌کوشید سپاه این شهرستان‌ها را ساختارمند کند.

■ در کمین شهادت

جابه‌جایی همه فرماندهان سپاه در این شهرها، پشتیبانی نیروها و کنترل حوادث غیرمترقبه‌ای که در عملیات‌ها پیش می‌آمد را کاظمی انجام می‌داد؛ کاظمی از اقداماتی هرچند جزیی که منجر به تلفات مردم می‌شد، ناراحت بود و تلاش می‌کرد آنها را کنترل کند. می‌شود گفت، یکی از طلایی‌ترین مقاطعی که سلسله عملیات‌های تعقیب ضدانقلاب در آن انجام شد، دوره فرماندهی ناصر کاظمی در سپاه کردستان بود.

حساسیت‌های عملیات‌های کردستان و مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی سبب شد تا آقای بروجردی و ناصر کاظمی جرقه راه‌اندازی یگان‌های رزمی در کرمانشاه را بزنند و یگان «ویژه شهدا» را در کرمانشاه و همچنین یگان ویژه شهدا را در مهاباد تشکیل دهند. آنها با یگان مهاباد، سلسله عملیات‌های پاکسازی جاده پیرانشهر به سردشت را که بسیار حساس بود، انجام دادند. در مراحل اولیه پاکسازی این جاده، در شش شهریور ۶۱، ناصر کاظمی در کمین ضدانقلاب افتاد و به شهادت رسید.

> در نهایت طرح کاظمی تصویب شد و ایشان به سراغ مقدمات کار رفت. او طرح مانوری برای پاکسازی جاده بانه- سردشت طراحی کرده بود. بر اساس این طرح، قرار بود در چند نقطه هلی‌برن انجام شود که یکی از هلی کوپترها سقوط کرد و عملیات عقب افتاد. یکی دو ماه بعد، دوباره طرح پاکسازی آن جاده اجرا شد

گفت‌وگوی «جوان» با یک محقق حوزه جنگ پیرامون روزهای آخر قبل از شروع جنگ تا حمله سراسری دشمن به کشورمان

مقاومت سخت رزمنده‌ها صدام را وادار به نبرد فرسایشی کرد

حمله به مناطق مرزی پیش از شروع جنگ استراتژی دشمن بود

■ علیرضا محمدی

رضا میرزایی از محققان حوزه دفاع مقدس نکته جالبی از روزهای آغازین جنگ تحمیلی بیان می‌کند. او می‌گوید: «روز سوم شروع جنگ قرار شد نیروی هوایی مواضع دشمن را بمباران کند. بنابراین باید نیروهای خودی از مرزها عقب‌نشینی می‌کردند، اما به خاطر نبود هماهنگی لازم، این عقب‌نشینی عامل دیگری بر نفوذ بیشتر دشمن شد.» ۴۴ سال پیش در چنین روزهایی برای آنهایی که در مرزهای غربی و جنوبی کشورمان زندگی می‌کردند، حمله قریب‌الوقوع عراق بعثی به کشورمان مسجل شده بود. از نیمه شهریور ۵۹ عراق حملات زمینی منسجمی به مرزهای کشورمان انجام داد و از غرب تا جنوب تعداد قابل توجهی از پاسگاه‌های مرزی را یا تخریب کرد یا به تصرف خود درآورد. در چنین شرایطی برخی از بلندی‌های مرزی تحت کنترل ضدانقلاب قرار داشتند و نیروهای نظامی کشورمان نیز مشغول دفع شر آنها بودند. در نتیجه ۳۱ شهریور ۵۹ که عراق به ایران حمله کرد، مرزها در شرایط نابسامانی به سر می‌بردند. گفت‌وگوی ما با سردار میرزایی درخصوص شرایط آن روزهای جنگ تحمیلی را پیش‌رو دارید.

در تاریخ دفاع‌مقدس آمده است که عراق از ابتدای سال ۵۹ مرزهای کشورمان را مورد تهدید قرار می‌داد، چه مسئله‌ای باعث شد که شهریورماه را یک ماه خاص در جنگ بدانیم؟

شهریور ۵۹ اوج حملات بعثی‌ها به مرزهای کشورمان بود. درگیری‌های مرزی از ماه‌ها قبل شروع شده بود، ولی در شهریور ماه حملات دشمن شدت گرفت. در تاریخ ۱۵ شهریورماه نیروهای دشمن ضمن ایجاد درگیری در سراسر مرز از ازگله و سرپل ذهاب گرفته تا قصرشیرین و سومار تمامی این مناطق را زیر آتش گرفتند. روز بعد (۱۶ شهریورماه) به منطقه خان لیلی در جنوب خسروی و قصیر شیرین حمله کردند و آنجا را به تصرف درآوردند. در ۱۹ شهریورماه هم که هنوز چند روز به شروع رسمی جنگ باقیمانده بود، ارتفاعات حساس میمک واقع در شمال شرقی شهر مهران را گرفتند. این اقدامات چیزی از یک جنگ تمام عیار کم نداشت. در واقع می‌توانیم بگوییم که عراق از نیمه شهریور ۵۹ تهاجم خودش به کشورمان را شروع کرده بود.

شهید همدانی خاطراتی از حضور در جبهه غرب دارد که پیش از آغاز رسمی جنگ مورد هجوم دشمن قرار گرفت. در این مناطق سپاه چه نقشی داشت؟

سپاه آن زمان استعداد کمی به لحاظ نیرو و تجهیزات داشت. ضمناً بخشی از توانش هم صرف مبارزه با ضدانقلاب شده بود. با این حال مسئولیت حفظ و پدافند نزدیک به ۳۰ پاسگاه مرزی در منطقه سرپل ذهاب و قصرشیرین و گیلانغرب برعهده نیروهای سپاه بود. البته در روزهای اول جنگ پاسگاه‌های مرزی ایران عمدتاً در اختیار نیروهای ژاندارمری بود که تجهیزات بسیار ضعیفی در اختیار داشتند. این تجهیزات بیشتر برای مقابله با قاچاقچی‌ها یا اشرار مفید بودند و برای مقابله با یک ارتش منظم کارایی نداشتند. بنابراین در برابر حملات دشمن پاسگاه‌های ما نمی‌توانستند مقاومت کنند. نیروی زمینی ارتش هم به رغم اقدامات امنیتی که انجام می‌داد، نتوانست کارایی لازم را داشته باشد. در چنین شرایطی عراق ابتدا آمد پاسگاه‌های مرزی را تصرف یا تخریب کرد و راه را برای نفوذ عمیق‌تر یگان‌هایش در روزهای بعد از شروع رسمی جنگ باز کرد. ضمناً تعدادی از بلندی‌های مناطق مرزی غرب هم در کنترل ضدانقلاب قرار داشت.

یعنی وقتی که جنگ رسماً شروع شد، ما از قبل روی برخی از بلندی‌های مرزی تسلط نداشتیم؟

بله همینطور است. ضدانقلاب از کردستان گرفته تا آذربایجان غربی و کرمانشاه بسیار فعال بود. در جنوب هم که خلق عرب فعالیت می‌کرد. منتها در مرزهای غرب و شمالغرب به دلیل وجود کوه‌ها و بلندی‌های متعدد، هرچند سپاه و ارتش توان زیادی برای مقابله با ضدانقلاب به خرج داده بودند، اما همچنان تعدادی از بلندی‌های مرزی در کنترل ضدانقلاب بود و همین هم مزید بر علت می‌شد تا عراق در تهاجم اصلی‌اش به ایران راحت‌تر بتواند پیشروی کند.

> ضدانقلاب در سراسر مرزها فعال بود. منتها در مرزهای غرب و شمالغرب به دلیل وجود کوه‌ها و بلندی‌های متعدد، هرچند سپاه و ارتش توان زیادی برای مقابله با ضدانقلاب به خرج داده بودند، اما همچنان تعدادی از بلندی‌های مرزی در کنترل ضدانقلاب بود و همین هم مزید بر علت می‌شد تا عراق در تهاجم اصلی‌اش به ایران راحت‌تر بتواند پیشروی کند

هیچ کدام از این اقدامات دشمن باعث نمی‌شد که مسئولان در تهران تصمیم جدی برای مقابله با دشمن بگیرند؟

تقریباً برای آنها که در مرز بودند مسجل شده بود عراق به زودی به کشورمان حمله می‌کند. خصوصاً بعد از نیمه شهریورماه دیگر حمله دشمن قطعی بود. گزارش‌های لازم هم به مقامات بالاتر داده می‌شد، اما در حالی که بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را برعهده داشت، هیچ کدام از این گزارش‌ها باعث نمی‌شد مسئولان سیاسی و نظامی کشور توجه درخوری از خودشان نشان بدهند. بعد از شروع جنگ و در حالی که ظرف چند روز عراق بخش قابل توجهی از خاک کشورمان را تصرف کرد، تازه آن موقع بود که این تعداد از مسئولان متوجه عمق فاجعه شدند.

با توجه به اوضاع نابسامان مرزها با شروع رسمی جنگ چه اتفاقاتی افتاد؟

با حمله اصلی دشمن، ظرف مدت کوتاه یک یا دو روز پاسگاه‌ها به تصرف بعثی‌ها درآمد و رخنه نیروهای عراقی در مناطق غرب و جنوب به صورت کامل انجام شد. پس از تصرف پاسگاه‌ها از سوی دشمن بود که از نیروی خودی خواسته شد به منظور بمباران مواضع عراقی‌ها از سوی هواپیماهای خودمان، موقتاً عقب‌نشینی کنند. این اقدام به دلیل نبود هماهنگی‌های لازم منجر به عقب‌نشینی از مرز شد. در حالی که امکان مقاومت و ادامه درگیری در مرز (حداقل در برخی از مناطق) وجود داشت. با عقب‌نشینی کامل نیروها از مرز در روز سوم جنگ، خرمشهر عملاً از دو سو به صورت جدی مورد تهدید قرار گرفت. بعد هم که عراق به سمت پل نو و سپس ورود به شهر و اشغال آن پیش رفت.

استراتژی عراق در روزهای اول جنگ چه بود؟ گفته می‌شد که صدام به دنبال یک پیروزی سریع و برق آسا بود.

همانطور که شما هم اشاره کردید، عراق در روزهای اول جنگ به دنبال یک جنگ سریع و پرشدت بود، اما در هفته اول جنگ آنها در تصرف شهرها با مشکل رو به رو شدند. به جز سومار و موسیان که وسعتی بیشتر از یک بخش ندارند، در دیگر شهرها با مقاومت سرسختانه رزمنده‌ها مواجه شدند و صرفاً توانستند شهرهایی را تصرف کنند که بسیار کوچک بودند. بزرگ‌ترین شهری که عراق توانست در هفته اول جنگ به اشغال درآورد، قصرشیرین بود. بنابراین بعد از پایان هفته اول جنگ، استراتژی دشمن از یک جنگ سریع و پرشدت به یک جنگ بلندمدت فرسایشی تغییر کرد. البته این تغییر استراتژی به خواست خود دشمن نبود و به آنها تحمیل شد. وگرنه صدام می‌خواست خیلی سریع به اهدافش برسد و حتی اگر شده نیم‌نگاهی نیز به سمت فتح تهران داشته باشد.

> پس از تصرف پاسگاه‌ها از سوی دشمن بود که از نیروی خودی خواسته شد به منظور بمباران مواضع عراقی‌ها از سوی هواپیماهای خودمان، موقتاً عقب‌نشینی کنند. این اقدام به دلیل نبود هماهنگی‌های لازم منجر به عقب‌نشینی از مرز شد، در حالی که امکان مقاومت و ادامه درگیری در مرز (حداقل در برخی از مناطق) وجود داشت. با عقب‌نشینی کامل نیروها، خرمشهر عملاً از دو سو به صورت جدی مورد تهدید قرار گرفت

در یک نگاه کلی چه مسائلی دست به دست هم دادند تا در یک ماه اول جنگ، بخش قابل توجهی از خاک کشورمان به تصرف دشمن درآید؟

شروع بسیاری از جنگ‌ها طی یک فرایند صورت می‌گیرد. اینطور نیست که عراق یک شبه تصمیم بگیرد به ایران حمله کند. بعثی‌ها قبل از شروع جنگ مناطق مرزی را ناامن کرده بودند. از وجود ضدانقلاب برای این کار بهره برداری می‌شد. بعد هم دشمن آمد و پاسگاه‌ها را تخریب و تصرف کرد. همه اینها نشانه‌هایی بود تا در داخل کشور یک تحرک جدی علیه اقدامات بعثی‌ها انجام گیرد، اما متأسفانه آن زمان در داخل کشور یک عزم و اراده جدی برای مقابله با دشمن وجود نداشت. حتی اگر از شهریور ۵۹ که عراق به صورت مستمر به مرزهای ما حمله می‌کرد اقدامات جدی علیه این تحرکات انجام می‌گرفت، با شروع رسمی جنگ در ۳۱شهریورماه اینطور غافلگیر نمی‌شدیم. از طرف دیگر به خاطر حضور بنی‌صدر در رأس قوا و همینطور مسائل دیگری که وجود داشت، بین نیروهای خودی (ارتش، سپاه و نیروهای مردمی) هماهنگی‌های لازم وجود نداشت. در همان قضیه بمباران مواضع دشمن که منجر به عقب‌نشینی از مرزها شد، عدم هماهنگی به خوبی مشهود بود. همه اینها عواملی بودند که دست‌به‌دست هم دادند تا ایران در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، نتواند آنطور که باید مقابل دشمن سد ایجاد کند. بعدها که به خودمان آمدیم و تصمیم‌های جدی‌تری گرفتیم، ابتدا دشمن متوقف شد و سپس قدم به قدم او را به عقب راندیم و نهایتاً جنگ به داخل خاک عراق کشیده شد. جنگ تحمیلی هم مثل دیگر وقایع تاریخی مملو از عبرت‌ها و تجربه‌هایی است که باید از این تجارب در رویدادهای آتی استفاده کنیم.

در اولین روزهای جنگ جبهه‌ها در شرایط نابسامانی قرار داشتند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۱۱۱

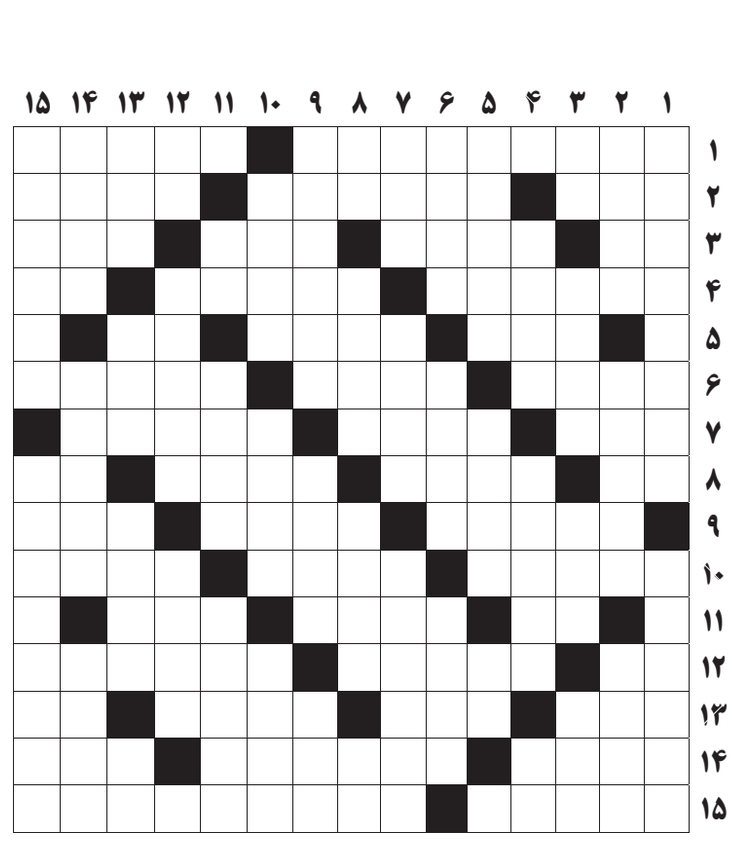

از راست به چپ

■ ۱- سامانه موشکی ناکارآمد صهیونیست‌ها- اثر عبید زاکانی ■ ۲- جاده قطار- وب سایت- نگهبان ویژه ■ ۳- بازی محلی- نام مادر امام عصر(عج)- انعکاس صدا- تزویر ■ ۴- نفرت- دوراندیشی- ظرف سرکه ■ ۵- پسوند شباهت- فرمانده ارتش- سرسلسله اعداد ■ ۶- خانه پشت به آفتاب- امروزی- زاویه نود درجه ■ ۷- سال آذری- از اصول دین- شیر دادن ■ ۸- جفت ماده- عقرب- شجاعت- مادر لر ■ ۹- دستاویز- عمل روییدن- عدسی محدب ■ ۱۰- از شهرهای مقاوم در سال‌های دفاع مقدس- دریاچه‌ای در الموت- نوعی انرژی ■ ۱۱- عید ویتنامی‌ها- آنزیم مبدل شیر به پنیر- آسمان ■ ۱۲- لخت- فیلم دسیکا، کارگردان ایتالیایی- از غذاهای فست فودی ■ ۱۳- از بخش‌های اوستا- خیزاب- اثر شکسپیر- تکرار حرف ■ ۱۴- اثر گوته، شاعر آلمانی- روزی جاودانه در تاریخ شیعه- زبان فارسی قدیم ■ ۱۵- درخواست عفو- از شهرهای استان مازندران

از بالا به پایین

■ ۱- کوپال، دبوس- نام چند پادشاه هخامنشی ■ ۲- گاز لامپ‌های تبلیغاتی- بیماری مزمن کبد- رفتن به مکان مقدس ■ ۳- مخترع تلفن- فروپاشی- محکم- حرف هشتم یونانی ■ ۴- درودگر- پایتخت اسبق ژاپن- خدای خورشید مصریان ■ ۵- زرشک- لوکس- مخفف هستم ■ ۶- از همسران حضرت ابراهیم- یمینه- از واجبات نماز ■ ۷- پرستار- خورشت- هماهنگی و توازن ■ ۸- پول ژاپن- گردنکشی- بالایی و فوقانی- خسیس ■ ۹- سمبلیک- برنا- نام درختی شبیه گز ■ ۱۰- از نام‌های خدا- آریایی نژاد- خجالتی ■ ۱۱- علامت پیروزی- قبیله پیامبر اسلام- نوع شیرازی‌اش معروف‌تر است ■ ۱۲- محنت و رنج- تحمل رنج و مشقت- غذای مجردی ■ ۱۳- ایستگاه قطار- مرزبان- دوست خاموش- خرس قطبی ■ ۱۴- انباز- نیست شده- درختی با برگ‌هایی مانند پنجه انسان ■ ۱۵- تطبیق داده شده- وضعیت عادی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱	۹							
۸		۶		۱	۷	۳		
						۴		
			۷	۹	۳			
	۶		۱					۵
	۲							۸
۶		۴					۲	
			۵	۲			۸	
		۳					۴	

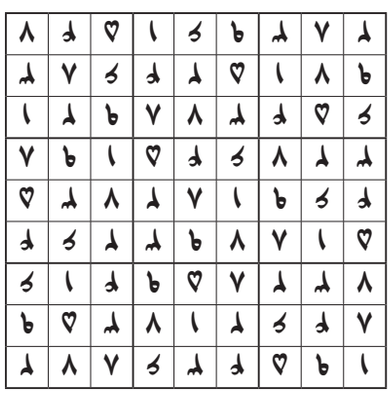

جدول کلمات متقاطع
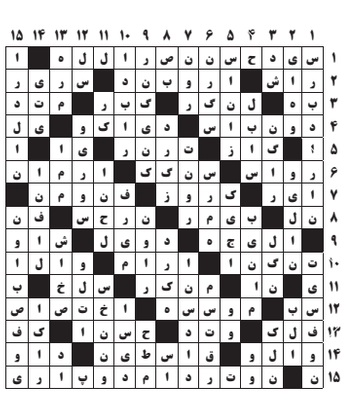
■ پاسخ جدول شماره ۷۱۱۰